



عبدالواسع غفاری

## قانون وقانونیت در دوره طالبان

میزان ۱۳۷۵ (سپتامبر ۱۹۹۶) الی عقرب ۱۳۸۰ (نوامبر ۲۰۰۱)

### بخش دهم

بحث قانون وقانونیت رادر این دوره با مکتب و تحلیل مختصر از فرمان رهبر طالبان (امیرالمومنین آخند محمد عمر) آغاز مینمایم که مبین ماهیت رژیم میباشد.

طالبان در اولین روز بقدرت رسیدن خویش چنین فرمان صادر نمودند که :

زنان از آغاز آفرینش، گناهکار آفریده شده اند و تنها راه فرار یک مسلمان اصیل از گناه آن است که زن، یا زنان او در پنهانی ترین گوشه خانه، زندگی کنند.

فرمان دیگر رهبر طالبان که در جریده رسمی شماره ۷۸۶ نشر گردید، مشعر است :  
موظفین امر بالمعروف و .. به دفع نمودن منکرات ذیل مکلف میباشند:

۱ - هر زنیکه باروی برهنه ، بی حجاب و یا بدون چادری از منزل خارج بیرون دیده شود منزلش را نشانی نموده برای شوهرش جزای لازم بدهد یا زن را بانظر داشت حالت جا بجا تهدید نماید.

۲- هرگاه زن ذکر شده مندرج جزیک این فقره دروسایط نقلیه در حالت انتقال دیده شود، درپور را بانظر داشت حالت ازیک الی پنج یوم حبس نماید.

۲- در صورت کشف و دستگیری کستهای ساز و سرود یا فلم های ویدئوی در دکان، هتل،

- وسایط نقلیه و یا جاهای دیگر، شوآننده کستها بامالک آن الی ده یوم حبس نمایند....
- ۴- مردیکه ریش راتراش ویا کوتاه نمایند بانظرداشت حالت مجرم تا ده روز حبس ویا حسب لزوم دید حاکم وقت تعریز نمایند.
- ۵- در وقت نماز مسئولین امر از ادای نماز در یک وقت مراقبت جدی نمایند .هرگاه در وقت ادای نماز در دکان شخص بالغ دیده شود دکان ای پنج روز مسدود میگردد.
- ۶- هر شخصیکه کبوتربازی مینماید وی تاوقتی حبس گردد که موصوف از منزلش کبوترها راگم (ناپدید) نماید.
- ۷- هر شخصیکه به استعمال مواد مسکره معتاد باشد با نظر داشت حالتش به طورذیل محبوس نمایند :- چرسی الی 3 ماه - هیروینی الی 6 ماه - شرابخور را بمنظور تطبیق حد شرعی به محکمه ذیصلاح بسپارند. وفروشنده گان ...الی یکماه حبس گردد.
- شخصیکه بنگ را زرع مینماید ... تاوقتی بندی نماید که تاخویشاوندانش بوته های بنگ را محوه و برای اداره مربوط اطمینان دهند.
- ۸- فروشنده سامان کاغذ پرانی را منع نموده ودکانش سه یوم مسدود گردد ومردم را از اضرار کاغذ پرانی که مصرف بیجا ، محرومیت از تعلیم وتربیه ودیدن منازل اشخاص غیرمیباشد بیان دارید.
- ۹- محلات رفت وآمد عامه (دکان ،موتر،هوتل وغیره ) مطلق عکس را بطریقه ممکن محوه نمائید و عکاسان نمیتوانند بدون ضرورت مانند ( پاسپورت وتذکره ) عکس اشخاص را بگیرد.
- ۱۰ - دکانداران نمیتوانند مجسمه های پلاستیکی وغیرپلاستیکی را خرید وفروش نمایند.
- شخصیکه خلاف شریعت موهای سرخویش را به شکل بیتلی ( انگریزی یا امریکائی آرایش دهد وی دستگیر شود وموهایش را توسط سلمانی به تراشد.....
- ۱۱ - قمار بازی یکماه حبس
- ۱۲- زنیکه درقریه ، بادیه یا صحرا درجوار چشمه کالاشوئی مینماید خانه اش نشانی وصاحب خانه مجازات گردد .
- ۱۳ - در عروسی وسایر شادی ها رقص وسرود زنانه به آواز بلند منع نمائید ودرخانه یکه چنین عمل صورت گیرد صاحب خانه شدیداً مجازات گردد.
- زنیکه توسط خیاط لباس میدوزد در دکان دیده شود زن راتهید وخیاط را الی 10 روز حبس نمائید.
- ۱۴ - شخصیکه جادوگری مینماید کتابش حریق وجادوگر تا وقتی حبس شود که توبه نماید.
- ۱۵ - شخصیکه حیوان جنگی مینماید الی ده یوم حبس گردد .
- ۱۶- زنان نمی توانند که در حمام های شهربروند. درشهرها حمام های عمومی مسدود گردد ومالک به عوض آن حمام های نمره اعمار نمایند.

فرامین متذکره بیانگر معرفی رهبران و کادرهای نظام میباشد که دارای سطح پائین سواد بوده و نسبت عدم درک واقعی از مفهوم دین و آگاهی از دین مقدس اسلام، بر علاوه داشتن عقده های مذهبی، قومی و لسانی، غرق در افکار قرون اوسطائی بوده و در بدنامی اسلام (اسلام ستیزی) وظایف داده شده خویش را رهبران بصورت عمدی و صفوف طالبان به صورت غیر عمدی انجام داده و میدهند، آنان از علم و دانش، تخنیک و پیشرفت، انکشاف و تمدن جامعه و جهان فاصله و نفرت دارند. لذا نسبت عدم فهم، درک و دانش از پرنیسیهای حقوق و آزادی انسان، روزانه مصروف تخلف و تجاوز به حقوق انسانان، قتل و کشتار و صدها جنایت دیگر میباشند و هستند. شخص امیرالمومنین با صدور چنین فرامین، فتوا و هدایت دیگر زمینه صدها تخلف و تجاوز به حقوق و آزادیهای هموطنان ما را فراهم نمود. و با تطبیق چنین فرامین بر علاوه تخلف و تجاوز به حقوق و آزادی مردم، مجریان آن به جنایتکاران حرفوی روزمره تبدیل شدند.

وکی پدیا درباره ملا عمر چنین تحریر نمود: (محمد عمر در سال ۱۹۵۹ در روستای نوده ولایت قندهار تولد شد. اما طالبان می گوید ملا عمر در سال ۱۳۳۹ خورشیدی «۱۹۶۰ م» در جنوب افغانستان، در قریه چاه همت در ولسوالی خاکریز ولایت قندهار به دنیا آمد و طبق گفته های طالبان ملا محمد عمر در سن ۵۵ سالگی در گذشته است. موصوف در اوایل سالهای جهاد افغانستان علیه دولت شوروی یک عسکر عادی بود، در جریان جنگ یک چشم ملا عمر زخمی شد و بدون استفاده از مواد بیهوش کننده و ضد عفونی کننده، بوسیله چاقو آن آله را چشمش بیرون کردند و پلک هایش را با هم دوختند. پس از عقب نشینی ارتش شوروی از افغانستان، بین سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ ملا عمر امام مسجد یک قریه در غرب قندهار شد. در اکتوبر ۱۹۹۴ ملا عمر، امیر یا رهبر طالبان شد. در ۱۹۹۶ اجلاس بزرگی متشکل از ۱۵۰۰ طالب دینی در قندهار دایر شد، به ملا عمر لقب «امیرالمومنین» اعطا کردید. تا آن زمان، طالبان تقریباً ۹۰ درصد خاک افغانستان را تصرف کرده بود. و بعد از پنج سال به اثر حملات ناتو در راس ارتش آمریکا، با همکاری نیروهای ائتلاف شمال در اکتوبر ۲۰۰۱، حکومت طالبان تحت رهبری ملا عمر پس از مقاومت کوتاهی سقوط کرد).

نگاهی بر رعایت قانون و قانونیت درین نظام، مستلزم شناخت از شکل و ساختار، اهداف و کادرهای رهبری کننده آن میباشد. لذا ضرور پنداشته میشود تا روی مطالب ذیل با آنکه در حاشیه قرار میگردد معلومات مختصر ارائه میدارم:

- طالبان کی هستند و چرا و بکدام شکل و هدف این مکتب بوجود آمد؟

- پیرو کدام اندیشه بوده و دارای چه اهداف جهت رفاء مردم و جامعه میباشند؟

- حمایت کننده گان داخلی و خارجی طالبان کی ها هستند؟

به اساس مطالعات و بررسی ها، تعریف ذیل را میتوان از طالبان ارائه نمود:

طالبان عبارت از چکیده عصاره های تند روان اسلامی که ناشی از تضاد های جنگ سرد بوجود آمدند، میباشند که مجهز با افکار و اندیشه های قبیلوی بخصوص قبایل پاکستانی بوده در کوره های عقاید عقب مانده مذهب دیوبندی و مذاهب دیگر، پرتاب شده و با هیزم کشور های (کمک کننده مالی و معنوی عربستان سعودی، آمریکا - انگلیس) واقع کشور پاکستان

با آتش بیسوادی و افکار تجری که از علم و تمدن نفرت دارند، نیم سوز شده و جهت تحقق منافع تولد کننده گان شان در آغوش سازمان القاعده صیقل یافته و به آفت انسان کشی در منطقه و جهان تبدیل گردیده اند. پاکستان بعنوان چوکیدار منفعت جو (حامی) به مرکز تجمع، تربیه گاه و آماده کننده نیروهای تروریستی که توسط کشورهای فوق الذکر اکمال و تجهیز میگردند، در تباهی مردم و کشور ما، سایر انسانان کره زمین و بدنامی دین اسلام صادقانه اجرای وظیفه مینمایند.

سازمان دهنده گان جنگ سرجهت شکست حریف خویش مرتکب چنان اعمالی گردیدند که فعلاً جهان و بالاخص مردم و خاک ما روزانه در آتش آن میسوزند. آنان با کمکهای مالی، نظامی و سیاسی، سازمان القاعده را ایجاد، رشد و توسعه دادند و سپس در ایجاد و توسعه گروه های مختلف تندروان اسلامی تحت شعاع آن سازمان پرداختند. اندیشه اسلام ستیزی در تطابق با منافع دوراندیشانه کشورهای امپریالیست جهت ناامنی، تخریب و ویرانی کشورهای اسلامی، منطقه و حتا در سطح جهان بوجود آوردند. آنان با کمک های مختلف النوع به مدارس دینی پاکستان نقش عمده را در افراط گرایی مذهبی و اسلام ستیزی انجام داده و میدهند.

اهداف توسعه طلبانه ایجادگران آن با کمک مالی اعراب و نیت خصمانه پاکستان زمینه آنرا بوجود آورد که اداره استخبارات و ارتش پاکستان اقدام به سازماندهی وسیع نمود: در مرحله اول اقدام به دعوت مسلمانان نا راضی سراسر جهان جهت پیوستن به صفوف جهاد افغانستان نموده و زمینه های ورود تعداد زیادی از عناصر افراطی و متعصب را آماده ساخت. دولت پاکستان در آن زمان به سفارت خانه هایش دستور داد که بدون هیچ سوال و جوابی به دو طالبان جهاد در افغانستان ویزه بدهند. همزمان با آن اخوان المسلمین خاورمیانه و مجامع و هابی در عربستان نیز با صدور اعلامیه های متعدد از مسلمانها جهان خواستند تا به دعوت پاکستان لبیک بگویند. در حقیقت طراح اصلی این ماجرا ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا بود.

قسمت اعظم مصارف پروژه طالبان را عربستان سعودی متقبل شد. استخبارات پاکستان و جماعت اسلامی بر رهبری قاضی حسین احمد، کمیته مشترکی برای پذیرایی عناصر افراطی تشکیل داده بودند و راه را برای پیوستن آنان به حزب اسلامی حکمتیار بیشتر آماده نمودند. طبق برخی اطلاعات، طی ده سال بیشتر از 35 هزار مسلمان افراطی از 43 کشور اسلامی به آن پروژه جذب شدند.

استخبارات پاکستان از عربستان سعودی درخواست نمود تا فردی قابل اعتماد را جهت رهبری و سرپرستی آن نیروها بفرستد، ترکی الفیصل که روابط نزدیکی با بن لادن داشت ویرا مناسب ترین فرد برای احراز رهبری آن سازمان دانست و به پاکستان فرستاد. عامل دیگر در توسعه مدارس دینی و مذهبی پاکستان در آن زمان، انقلاب اسلامی ایران بود چرا که رهبران مذهب شیعه قدرت دولتی را در ایران بدست گرفتند. دولت پاکستان رژیم ایران را به حمایت از شیعیان پاکستان متهم مینمود و احیاء تفکر سنی افراطی را گزینه ای مؤثر برای مقابله و خنثی کردن آن اختلافات مذهبی دانستند. در عین حال پیروزی رژیم اسلامی ایران با واکنش منفی برخی از کشورهای جهان عرب مواجه گردید. کشورهای عربی به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ رژیم اسلامی ایران در پاکستان و منطقه حمایت و پشتیبانی از گروه های تندرو اسلامی سنی مذهب را بیشتر نموده و به گسترش و حمایت

مالی از مدارس مذهبی پرداختند. قرار آمار نشر شده در مطبوعات جهان فعلاً بیشتر از (۱۵۰۰۰) مدرسه دینی - مذهبی در پاکستان وجود دارد.

احمد رشید یکی از ژورنالیستان سرشناس پاکستان طی گزارش خویش مینویسد: (که در پایان دوره ضیاء الحق، حدود (۸۰۰۰) مدرسه رسمی و (۲۵۰۰۰) مدرسه غیر رسمی فعال شده بود. بایک محاسبه ابتدایی به آسانی می توان فهمید که آن تعداد استادانیکه در سطح عالی ویا متوسط دانش اسلامی بهره مند باشند، وجود نداشت. به قول احمد رشید، ملایانی جاهل و کم سواد، آموزش طلاب این مدارس را به عهده گرفتند. ملایانی که تفسیر آنان از شریعت و مذهب، مانند آموزش های جمعیت العلماء، عمیقاً متأثر از مقررات، ضوابط و رسوم قبایلی بود. این مقررات، قواعد و قراردادهای نامدون هستند که مناسبات و روابط درونی و بیرونی قبایل را بر اساس آن تنظیم مینماید. اکثر مدارس در مناطق روستایی و نزدیک به اردوگاه های آوارگان افغان قرار داشتند. یگانه مراکزی بودند که شمولیت در آن ساده و بدون مصرف بود. از این رو تعداد زیادی از نو جوانان آواره افغان به این مدارس روی آوردند تا اگر چیزی نیاموختند لااقل از امکانات مالی و معیشتی آن برخوردار شوند. باتغیر سیاست جهانی، یکتازی بلاک غرب و با بقدرت رساندن (تنظیمهای جهادی) تربیت یافته گان شان در افغانستان و منطقه بنابر عوامل مختلف ناآرامیها و ج گرفت و کشورما از نظر دورنگهداشته شد. از جمله یکی از عوامل فوق عدم موجودیت پلان و هدف مشخص رهبران تنظیمها در جهت منافع مردم و کشورما بود. از ابتداء آنان جهت بدست آوردن منافع شخصی از دین اسلام بعنوان ابزار استفاده نمودند و تنظیمهای متعدد و مخالف را بکمک دشمنان خاک و مردم ما بوجود آوردند بعداً در تقسیم قدرت و چوروچپاول دارائیهای عامه و خصوصی بین خود مصروف جنگ و ویرانی گردیدند. بر علاوه تخریب و ویرانی، در تجاوز به مال و ناموس مردم، غصب املاک دولتی تحت عناوین مختلف (غنیمت)، جنایات غیر قابل تصور را ثبت تاریخ کشورما نمودند. ظلم، ستم و جنایات روزمره آنان از یکطرف سبب نارضایتی مردم در اکثر نقاط کشور گردید و از جانب دیگر با به قدرت رسیدن، رهبران تنظیمها و قوماندانان مسلح، اقدام به نافرمانی از بادران و پرورده گان قبلی خود ( امریکا - انگلیس، پاکستان و.. ) نمودند همان بود که حامیان قبلی شان باتغیر تاکتیک و تعویض مهره هادر تحقق اهداف طویل المدت خویش ادامه دادند.

مجاهدین نا راضی افغان، ناراضیان دیگر سازمانها، حتا بعضی حلقات افغانی که ادعای روشنفکری رامینمودند، جهت ضربه زدن به حریفان، خود را در لحافهای قومی، لسانی، مذهبی و سایر امراض تباه کننده کشورما پوشانیده و در خدمت دشمنان وطن و مردم ما ( استخبارات پاکستان و حامیان شان) قرار گرفتند. با همکاری گروه های تندرو پاکستانی و دیگر ناراضیان مسلمان از سایر نقاط جهان که در پاکستان تجمع نموده بودند، تحت نظر استخبارات آنکشور در مدارس بر علاوه دوسر دینی، تربیت نظامی و چرنیکی، شامل پروگرام مدارس دینی و مذهبی گردیدند و آن مدارس مرکز تربیه اطفال و جوانانیکه در محیط تنگ فامیلهای متعصب مذهبی تولد و از علم و دانش، معارف، فرهنگ و تمدن بدور مانده بودند، توسط ملایان متعصب و هابی و دیوبندی که اسلام را در چوکات تنگ عقلی خویش محدود ساخته باتذریق نمودن افراطی ترین اندیشه های اسلامی، دین را به ایدولوژی جبار و ظالم تبدیل نمودند، و تا حال این فعالیتهای ضد اسلامی و ضد انسانی شان

ادامه دارد. سازمان استخباراتی و دولت پاکستان به زایشگاه طالبان (مرکز تولید و توزیع تروریسم) تبدیل گردیده اند.

از جانب دیگر عربستان سعودی و سایر هم‌کیشان و هابیت که تمویل کنندگان این مدارس بوده و میباشند، با جمعیت العلماء پاکستان پیوند اعتقادی نزدیک داشته، با استفاده از این زمینه، به ترویج و القای وهابیت پرداختند، تا سربازان جدید راجهت اشاعه و ترویج افکار خویش بدست آورند. سربازان بیسواد، متعصب، تنگ‌نظر و بی‌خبر از جهان، که نه از تاریخ خود و نه از تاریخ و هدایات مفید اسلام اطلاعی لازم نداشتند. تنها تحت تأثیر تبلیغات و فتوای ملایان وهابی در محدوده کلتور عقب مانده محیط و ماهول زنده‌گی خویش قرار گرفته و در جهت تحقق منافع آنان عمل مینمایند. بهمین شکل چندین مرکز تربیه و پرورش تروریسم دیگر وجود دارد، که میتوان از مدرسه حقانیه در اکو راکتک که توسط مولانا سمیع الحق اداره میشود و مدرسه جمعیت العلوم اسلامی که در شهر مینوری نزدیک کراچی قرار دارد و... که توسط دولت پاکستان حمایت میگردند. و ده‌ها گروه دیگر...

محمود خان اچکزی یکی از رهبران حزب ناسیونالیست پشتون پاکستان در سال ۱۹۹۵ م اظهار داشت که: (طالبان ساخته و پرداخته‌ئی وزیر داخله خود ما نصیر الله بابر هستند و پاکستان طالبان را برای مستعمره ساختن افغانستان ایجاد کرده است.) و سایر نظریات...

### - طالبان اکثراً پیروی مذهب وهابی میباشند؟

مذهب وهابیت: - شاخه از مذهب حنبلی (سنی) است. بنیانگذار آن شیخ محمد عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶ هجری قمری) از جمله علمای مذهب سنی در عربستان بود، و پیروی از شیخ عبدالسلام ابن تیمیه میکرد، میباشد.

ابن تیمیه در سال ۱۲۶۳ میلادی در حران یکی از شهرهای ترکیه بدنیا آمد و در سال ۱۳۲۸ میلادی بعد از ۶۵ سال زندگی وفات نمود. ابن تیمیه در فقه حنبلی خیلی زود به مقام اجتهاد رسید ولی در ارایه فتوا هرگز خود را محدود به فقه حنبلی نمیدانست و حتی بسیاری از فتوای وی مطابق هیچیک از مذاهب چهارگانه اهل تسنن یعنی حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی نیست. ابن تیمیه را باید مغزی متفکر در جهت تفرقه اسلام، قتل و قتل مسلمانان و کشتار انسانان در سایر نقاط جهان، که سبب اسلام ستیزی در سراسر جهان گردیده است بشمار آورد که برخورد سلفی‌های امروز مانند القاعده و طالبان نمونه‌های از این طرز تفکر است.

به اساس گزارش سرویس بین‌الملل (بازتاب) در نشریه احداث مغربیه که از پرتیراژترین روزنامه مراکش میباشد در مقاله‌ای به توضیح برخی از افکار عجیب ابن تیمیه، پدر فکری القاعده و جریان خطرناک وهابیت پرداخته است. در بخشی از این مقاله آمده است: ابن تیمیه با اندیشه و عقل بکلی مخالف است و خواستار الغاء عملکرد عقل از تمام شئون زندگی است و با فکر کردن و اندیشیدن دشمن بود، مگر اینکه آن فکر و اندیشه در راستای تأیید نقل و احادیث باشد.

ابن تیمیه میگوید: سلف صالح به نیابت از ما، اسلوب‌ها و روش‌های تعیین نموده و از ما باید تبعیت و تقلید نمایند. ما باید تماماً در خط و اسلوب، کردار و گفتار سلف صالح راه برویم و نقش ما تبعیت است. و به نفع ما میباشد در واقع او تمامی نمادها و مظاهر زندگی عصر فعلی را نفی میکند. و مسلمانان را فرا میخواند که تمامی روابط خود را با کفار قطع نمایند و در تمامی امور با آنان مخالف باشند.

و هابیان خون غیرمسلمان، منافقین و کفار را حلال میدانند. سایر مسلمانان که از شیوه و روش آنها پیروی نمیکنند، در زمره منافقان و کفار قرار میدهند در مورد شیعیان بر حسب تفکرات ابن تیمیه آنان بزرگتر و گناه آنها عظیم تر از کفار اصلی است.

ابن تیمیه به ترقی، علم، فرهنگ و هنرچندان معتقد نبوده، چنانچه پیروانش به تخریب آثار هنری و باستانی افغانستان و یا تخریب اماکن مقدسه که علاوه بر تقدس نزد پیروانش، جنبه هنری و علمی داشت، اقدام نمودند و آنها را نفی میکنند. امروز سلفیهای جهادی مانند زرقاوی، القاعده، طالبان و غیره شاخه های مذهب و هابیت، همان دیدگاه سنتی ابن تیمیه را به ارث برده و روزانه مرتکب شریرترین جنایات در کشور ما و دیگر کشورهای جهان میگردند. و هابیان در تائید جنایات خویش با پروائی اضافه میدارند که: بزرگان ما خط مشی روشن را در مورد شیعیان در اختیار ما گذاشته در جای دیگر میگویند: عقب شیعه نماز نه خوانید، به آنان سلام ندهید، با آنها ازدواج نکنید و از گوشت ذبح شده توسط آنان نخورید و مطالب بیشتر...

**(آیا انسان و مسلمان واقعی دارای چنین عقاید میباشد و مرتکب چنین جنایات میگردند؟)**  
جواب منفی است چرا که با انجام اعمال تروریستی و حملات انتحاری:

۱- آنان قاتلین بوده و از نظر اسلام و قوانین انسانی قتل و کشتار انسان تحت هر عنوانیکه باشد بزرگترین جنایت و عمل نابخشودنی میباشد. اختلافات دینی، مذهبی، قومی، سیاسی و غیره دلیل سلب حیات انسان شده نمیتواند.

۲- رهبران این گروه هاجتا به پیروان خود هم ترحم نه نموده از اعتقادات پاک اسلامی شان سئو استفاده نموده با تبلیغات دروغین و زهر آگین تحت نام جهاد، ابتدا آنان را شستشوی مغزی مینمایند و با تحریک احساسات مذهبی و تزریق نظریات منفی سبب میگردند تا جان های شان را فدای امیال شوم آنان نمایند. لذا جوانان بی تجربه که از مفهوم و معنی اسلام مطلع نمیشاند تحت تاثیر اعتقادات پاک مذهبی قرار گرفته، مرتکب اعمال انتحاری (خودکشی) میگردند. سوال پیدا میشود که:

**آیا رهبران القاعده و طالبان مانند بن لادن، الظواهری، ملا عمر یا اعضای فامیل شان در راه اسلام تحت نام جهاد که به نظر آنان عمل انتحاری میباشد خود را فدا نموده و یامینمایند؟**

جواب هم منفی است چرا که نمی خواهند جان های شرین خود و اعضای فامیل خویش را در این دنیای پراز لذت تحت نام جهاد فدا کنند. همه امکانات مادی و معنوی زندگی پر تجمل برای شان مهیا میباشد. آنان تحت نام جهاد و اسلام ثروت و جایزادهای را بی شمار را طریق فریب دادن مردم، قاچاق مواد مخدره، چور و چپاول دارائی ها خصوصی و عامه و سایر نیرنگ ها اندوخته اند و از نعمات دنیوی استفاده موثر مینمایند. اما در عوض مردم غریب، پاکدل و ساده را اغوا نموده در جهت اهداف شوم خویش آنان و سایر انسانان را بقتل میرسانند. با ذکر عوامل فوق طالبان تربیه شده، قدرت دولتی را با کشتارهای فردی و دسته جمعی بشکل نسل کشی و تطمیع پولی بعضی قوماندانان مسلح، بتاريخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ شهر کابل را به همکاری ناراضیان حکومت دوکتور نجیب الله و استخبارات پاکستان تصرف و جنایات متعدد را از جمله شهادت نجیب الله و سایر هموطنان بیگناه ما انجام دادند.

رهبران و کادرهای نظام طالبی که اکثراً بیسواد و متشکل از طلبه و اشخاص متعصب مذهبی بودند و میباشند، از عدالت، قانون و قانونیت، احترام به حقوق انسان، تساوی (حقوق مرد و زن، حقوق ملیتها) و سایر آزادیهای و عنعنات مردم اعتقاد و آگاهی لازم نداشتند. در شکل و میتود

پایمال و سلب نمودن حقوق هموطنانما باخط درشت، جنایات مختلف را در ساحات متعدد ثبت تاریخ کشور ما و جهان نمودند.

طالبان در فهم و برداشت از پدیده ها و تحولات اجتماعی، برخورد با مردم و مخالفین شان بیشتر تحت تاثیر عنعنات و رسوم بدوی - قبیلوی بودند تا از قوانین و ارزشهای اسلامی.

آنان با تساوی حقوق، آزادی افراد، علم و فرهنگ، تمدن، پیشرفت، تکنالوژی، زندگی مدرن و شهری به مخالفت پرداختند. در قدمه اول حقوق و آزادی های بیشتر از نصف نفوس جامعه افغانی (زنان) را محدود و در بعض حالات سلب نمودند.

بر این اساس طالبان برای حضور زنان در انظار عامه محدودیت های تنگ نظرانه اعمال کردند. از زنان خواستند که حتی الامکان در انظار عمومی ظاهر نشوند و زمانی از خانه خارج شوند که پوشش کامل داشته باشند. منظور ایشان از پوشش کامل، پوشیدن چادری بزرگ بود که سر تا پا را می پوشاند و یک توری کوچک مستطیل شکل در جلوی چشمان که حداقل دید را امکان پذیر سازد، داشته باشند. مولوی متوکل وزیر خارجه طالبان در مصاحبه ای با یک ژورنالست خارجی که پرسید:

**چرا مردم را شما در استند یوم ورزشی که محل تفریح جوانان است، اعدام میکنید؟ گفت**  
(اگر شما غربی ها برای ما جای مناسب که دور از شهر باشد آباد کنید تا ما گنهکاران را اعدام کنیم، در اینجا، این کار را نمی کنیم!!!)



مولوی محمد عمر در واکنش به درخواست سازمان ملل برای رعایت حقوق بشر و حقوق زنان، صریحا اظهار داشت: دستیابی زنان به تحصیل و آموزش در مراکز آموزشی، به معنی اعمال سیاست کفر و ترویج بی عفتی و فحشا در افغانستان است. طالبان هرگز به زنان اجازه نمی دهند تا تحصیل و اشتغال نخواهد داد. هدف طالبان جلب رضایت جهانیان نیست، بلکه اجرای احکام شریعت است.





گوش ها و بینی عایشه به دستور طالبان و توسط شوهرش بریده شد و سپس در بیابان رها شد، یک تیم گشت زنی ناتو به طور تصادفی به او برخوردند و او را نجات دادند

اقدام تجاوزکارانه دیگری بر حقوق و آزادیهای نصف دیگر جامعه که مردان میباشند، محدودیت های دیگر وضع نمودند. طور مثال فرمان مورخ ۴ جدی ۱۳۷۵ خادم اسلام امیرالمومنین مجاهد ملامحمد عمر آخند چنین آمده که :

(به تمام والی صاحبان و ولسوال صاحبان محترم ! السلام علیکم و رحمتہ اللہ وبرکاتہ ، از آنجائیکه در افغانستان گناه کبیره آشکار ریش تراشیدن و ریش قطع کردن است، درحالیکه ما اختیار کامل داریم، فتوی فتاوی عالمگیر است هرکسی که اختیار دارد. دفع منکر بالایش واجب میگردد. بدین لحاظ آرزو مندیم، هر ولسوال در ولسوالی خویش، و والی در ولایت، جلسه های بزرگ دایر نماید و به تمام مسلمانان به طور جدی اعلان نماید که هرگاه در آینده کسی ریش خویش را تراش و یا کوتاه نماید ما آنرا بندی میکنیم ....) .

طلبه های اداره امر بالمعروف .. نه تنها در ریش **تراشیدن** مردم را اذیت و مجازات میکردند در معابر عمومی در **نه تراشیدن** موهای سایر اعضای بدن نیز اذیت و شکنجه میکردند. قرار چشمدید هموطنان ما در راهرو زیرزمینی مقابل هتل پلازا واقع مرکز شهر کابل جوانان و مردان را متوقف مینمودند از بالای تنبان موی های آله تناضلی شان را کش میکردند هرگاه از اثر آن عمل غیر انسانی شان، آن شخص تکان میخورد آنانرا به اتهام نه تراشیدن سنتها مجازات نموده و توسط کیبل برق شلاق میزدند.

طالبان به دموکراسی و حقوق بشر اعتقاد نداشته و به اراده مردم هیچ گونه اهمیتی قایل نه بودند و در انتخاب رهبران و نظارت بر اعمال آنان را مجاز نمی دانستند .

در دسامبر ۱۹۹۸ م مقامات قضایی طالبان پای چپ و دست راست شش نفر را به جرم راه گیری و سرقت بریدند. سپس آنها را در چهار راهیهای شهر کابل اویزان کردند. پس از گذشت یک هفته مامورین امر بالمعروف امر کردند که دست و پاها از چهار راهیها پایین کرده شوند. بریدن دست و پای مجرمین ،خلاف موازین حقوق بشر میباشد و رعایت این اصول و موازین در تمام جهان از جمله الویت ها در جهت رعایت و حاکمیت قانون میباشد. اما طالبان با توحش و قساوت چنین اعمال را مرتکب شدند، که نماینده گی از وحشت آنان را مینمود .

ملا عمر رهبر طالبان در فتوای نمره ۱۷ مورخ ۱۱ سنبله ۱۳۷۷ که در نشریه ظاله حزب الاسلام مربوط طالبان که در پاکستان بچاپ میرسد چنین بیان داشت که فشرده فتوای ملا عمر را مجله کیهان چاپ لندن به نشر رسانیده است :

( ما امیر المومنین امارت اسلامی افغانستان در استجابت استغار مومنان در رابطه با حکم مقدس (شرح مقدس) نسبت به روافض (شیعیان) داده که سلف صالح محاربه با آنها را فرض واجب دانسته اند، حکم فوق شامل اولاد و عیالات آنها نیز میشود و معامله با نسوان بعنوان جاریه (کنیز) اشکال شرعی ندارد. )  
مفهوم سادهء این فتوا اینست که کشتن شیعیان بعنوان رافضی واجب است ، دختران و زنان شان را نیز بعنوان کنیز بگیرید و هرکاری می خواهید با آنها بکنید .

در نظام طالبان تفکیک قوا بملاحظه نمیرسید. تصامیم امور اجرائیه ، مقننه و قضایه توسط رهبر (امیر المومنین) و سایر ملایان و اخذ ها اتخاذ میگردد. در دوره طالبان از یکطرف قوه مقننه وجود نداشت تا قوانین را تصویب نمایند مگر جهت سهولت در امور روزمره با صادر نمودن فرامین و توصیه های امیر المومنین، برای منافع ضرورت مندان در قوانین نافذه قبلی تعدیلات بعمل میآوردند. بعد از سپری شدن مدتی و بروز معضلات تناقضات فرامین با قوانین قبلی در ادارات که اکثراً مامورین رژیمهای قبلی اجرای وظیفه مینمودند، چنین فرمانی در شکل صادر شد. فرمان امیر المومنین درباره اسناد تقنینی :

**تمام آنده قوانین، مقررات و اساسنامه هایکه احکام آن مغایر شریعت اسلامی وفقه حنفی نباشد نافذ شمرده میشود.** و از جانب دیگر دولت یا رژیمیکه طبق نورمهای حقوقی در جهت رفاه و بهبود زنده گی اتباع کشور فعالیت میکرد، وجود نداشت.

در دوره طالبان ۱۹۹۶ الی اکتوبر ۲۰۰۱ م مجموعاً ۱۷ شماره جریده رسمی (از شماره های ۷۸۳ الی ۷۹۹) بشمول اعلانات تجارتي و بعضی قوانین مانند قضایای دولت، تحصیل حقوق ، رهنمائی معاملات ، بررسی شکایات ، سارنوالی و... نشر گردیده اما این اسناد را نمیتوان قانون نامید. چراکه از نظر شکل ، متن ، محتوا و ارگان تصویب کننده آن دارای خلا و نواقص بود و آن اسناد ناقص در روی کاغذ باقی ماند. اکثراً نقش عمده را در تحقق تصامیم به شکل جابرانه که تخطی و تجاوز آشکار به حقوق و آزادیهای مردم بود توسط اداره امر بالمعروف و نهی عن المنکر صورت میگرفت. این مقررره نمونه خوبی از فرامین و مقررات آن دوره میباشد که از عدم موجودیت نظام حقوقی در آن دوره را حکایت مینماید.

به اساس مقررره فوق طلبه های اداره امر بالمعروف به ملائیکه های عذاب تبدیل شدند چنانچه شخص امیر المومنین طی فرامین و توصیه های مختلف بر علاوه تائید جنایات شان در جلوگیری از ظلم و تجاوز به حقوق و آزادی های مردم هدایت داده است :  
(- در مورد عدم لت و کوب اشخاص ، طلبای محترم سلام علیکم : شما بسیار ظلم نه نمائید و با بیت المال خیانت نه کنید، آن طلبا دونفر را در قشله جدید به سرقت دستگیر نموده بودند هر دو تن را با لاثر لت و کوب کشتند. محکمه دوهزار لک دیت را بالای بیت المال لازم نموده. محکمه چنین فیصله صادر نموده است که این قسم زدن موکول به اجازه امام یا امیر میباشد ... و این چنین زدن را قانون انگریز هم را اجازه نمی دهد.... )

این چنین واقعات بمراتب صورت گرفت که توسط کیبل ها مردم لت وکوب میشدند.  
- فرمان شماره ۹۹۱ امیرالمومنین به تمام مسئولین محترم ادارات ملکی و نظامی کشور :  
طوریکه اطلاع است در بعضی از ولایات ، ولسوالیها و مراکز نظامی اکنون هم بدون امر  
شرعی لت وکوب میگرددند و یکتعداد به این قسم فوت گردیده اند. شما باید تمام مسئولین  
ماتحت خویش راکه با مردم چنین رفتار مینمایند احضار نموده و از جانب ما برای شان  
بگوئید که بدون فیصله شرعی و امر من باید هیچ کس لت وکوب نگردد. هرگاه لت وکوب  
شخص ضروری پنداشته شود باید در آن وقت توسط مخابره یا از طریق دیگر از من اجازه  
خواسته شود.

توصیه و پیغام امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد به منظور قانونی نمودن (دین الله)  
و در نظر گرفتن اهداف تحریک :

طالبان محترم - .. این را به کسانی میگویم که به جنگ نمی روند و یا هم به این فکر میباشند  
که در جنگ موثر پیدا کنند. از محل جنگ گریز میکنند و اسلحه و موثر دزدی میکنند .. و یا  
هم در فکر هوا و چوکی میباشند... پس اگر چنین اشخاص توبه نکنند زیانکاران دنیا و آخرت  
خواهند بود....

بر علاوه اینکه فرامین فوق ثابت کننده سایر جنایات طالبان میباشد ، امیرالمومنین سایر  
اتباع کشور را در تراشیدن ریش خود شان مجازات مینماید ، اما طالبان را که مرتکب قتل  
سرقت ودها تجاوز به حقوق مردم میگرددند باهدایات و رهنمود هابه آخرت متوجه میسازد.

فرمان شماره ۱۱۳ امیرالمومنین تحت عنوان عدم مداخله مسئولین در امور محبوسین امر  
بالمعروف ونهی عن المنکر، بر خودسری و یکتازی اعضای اداره امر بالمعروف افزود :  
به منظور جلوگیری بهتر اعمال غیر شرعی ... هدایت داده میشود تمام کسانیکه اعمال غیر  
شرعی را انجام میدهند از طرف مسئولین امر بالمعروف دستگیر میگرددند باید به امر ایشان  
محبوس و رها گردند. شما در آن تصرف نه نمائید.

مطلب دیگر اینکه در اسلام رعایت حقوق دیگران فرض بوده و تجاوز به حقوق دیگران از  
جمله عمل لواطت از گناه های کبیره شمرده شده و چنین مجرمین طبق احکام شرعی حد  
بر آنان جاری میگردد . با اساس اسناد دست داشته در قوانین اسلامی چنین پیش بینی شده :

- ۱ - فاعل و مفعول هر دو بالغ، عاقل و مختار باشند : حکم هر دو اعدام است.
  - ۲ - فاعل، بالغ و عاقل و مفعول بچه باشد: حکم فاعل اعدام و حکم مفعول، تأدیب است.
  - ۳ - فاعل و مفعول هر دو نابالغ باشند: حکم هر دو تأدیب است.
  - ۴ - فاعل، نابالغ و مفعول، بالغ باشد: فاعل تأدیب شده و مفعول حدّ می خورد.
- تذکر: در احکام یاد شده تفاوتی میان مسلمان و کافر و محسن و غیر محسن نیست.

- ۱ - کشتن و گردن زدن با شمشیر.
  - ۲ - بستن دست و پای مجرم و پرت کردن او از جای بلندی مانند کوه و غیر آن.
  - ۳ - سوزانیدن با آتش.
  - ۴ - سنگسار کردن.
  - ۵ - و بنا بر قولی خراب کردن دیواری روی او.
- حاکم در اعدام مجرم،- اعم از فاعل و مفعول- بین موارد مزبور مخیر است .

به اساس راپور هایکه از طریق رادیو بی - بی - سی منتشر گردید ،یک تعداد مدارس طالبان به محل فسق و فجور تبدیل شده بود. طبق گزارش نشر شده در سال ۱۹۹۶ طی یکسال بیش از ۴۲۳۰ واقعه لوادت که در مدارس دینی صورت گرفته بود، به ارگانهای عدلی آن کشور پاکستان ثبت گردیده بود. اینکه چه تعداد مفعولین ویا مسئولین امور بنابر ممانعت ها و عوامل مختلف نتوانستند به عدلی مراجعه نمایند، معلوم نیست شاید بیشتر از دوچند آن باشد. این فسق و فجور یاد شده در بین طالبان بیشتر گردید چنانچه امیر المومنین به اساس فرمان خویش تحت نام توصیه درباره خارج نمودن **برهنه رویان** از دلگی ها و محاذات صادر نمود که در شماره ۷۸۸ جریده رسمی به نشر رسید.

به مسئولین محترم و تمام طلبا : - گرچه چندین بار برای شما گفته شده است که در دلگی ها و محاذات با طلبا برهنه روی ها نباشد مگر تا کنون این سخن کاملاً عملی نگردیده است و باز هم برهنه روی ها با شما دیده میشود. اکنون باز هم به هر مسئول و طالب امر من است که به همراهی هر کسیکه برهنه روی باشد آنرا جواب نماید. در آینده به بازگفتن ضرورت پیدا نشود. اگر باز هم اطاعت صورت نگیرد مجبوراً به مجرم جزا داده خواهد شد. والسلام.

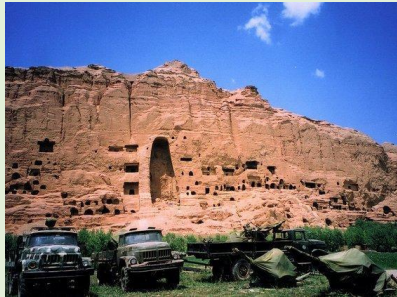
**در این حالت شرعیت و قوانین اسلام جنبه تطبیقی نداشت !!!**

مثال دیگر که ده ها هموطنما در پاسخ نه گفتن سوالات گروپ امر بالمعروف شگنجه شدند که یکی از آن سوالات چنین بود ( سنت های چوبی چند میباشد) برای اکثر هموطنان مسلمان این سوال نا مانوس بود. به نظر طالبان سنتهای چوبی عبارت اند از (مسواک، شانه چوبی و میل چوبی سر مه ) بود.

رحیم الله یوسفزی خبرنگار محلی بخش پشتوی رادیو بی بی سی با رهبر طالبان در چند نوبت دیدار و مصاحبه داشت. وگردانندگان رادیو مذکور از لندن با ملا محمد عمر رهبر طالبان چند بار مصاحبه تلفنی انجام دادند. اگر این مصاحبه ها معیاری برای شناخت رهبر طالبان در فهم و قدرت رهبری مدنظر گرفته شود، میتوان گفت که او فردی بدوی، خشن، عصبانی، مستبدالرای و فاقد استدلال، معقولیت و تدبیر در سیاست و اداره بود او در صحبت و ابراز نظربه زبان مادری خود، زبان پشتو ویگانه زبانیکه میتوانست به آن سخن بگوید فاقد بلاغت و فصاحت بود. گفتگو هایش نشان میداد که از دانش دینی نیز بی بهره است. وقتی خبرنگار بخش پشتوی رادیو بی بی سی در مصاحبه تلفونی از او پرسید که در سه سال حکومت طالبان اوضاع اقتصادی مردم به شدت رو به خرابی نهاده است شما در بهبود وضع اقتصادی چه برنامه و تدابیری در دست دارید، با لحن خشن جواب داد : ( دا د خلکو کارندی. دادخدای کار دی ....) به این معنی که کار مردم نیست. کار خدا وند است، به کسیکه بخواد زیاد بدهد و به کسیکه بخواد کم بدهد. در بسیار ملک ها وضع اقتصاد خراب است.

طالبان بر علاوه یکه تقویم هجری شمسی را به هجری قمری تغییر دادند به بهانه غیر اسلامی بودن جشن نوروز که از جمله جشنهای باستانی کشور ما میباشد ممانعت به عمل آوردند. و بعداً طالبان که از کلتور و عنعنات جامعه پاکستان برخوردار میباشند، به آثار باستانی و میراثهای فرهنگی کشور ما ارزش و احترامی قایل نبودند و طبق برداشت از عقاید عقب مانده شان بانظر داشت هدایات استخبارات پاکستان طبق جلسه ۲۶ فبروری ۲۰۰۱ شورای رهبری طالبان به پیروی از فرمان ملا محمد عمر بتاريخ ۱۱ مارچ ۲۰۰۱ دو بت بودا در

بامیان را به بلندی ۵۳ متر که از جمله شهکارهای تاریخی و فرهنگی کشور ما بود، با انجام جنایت تاریخی خویش، صدمه شدیدی بر آثار باستانی چندین هزار ساله کشور ما که سرمایه ملی بود، وارد نمود، که صدمه بزرگی بر عواید کشور از ناحیه توریسم نیز وارد نمودند.



طالبان بر علاوه تجاوز به حقوق و آزادی های هموطنان ما بشکل انفرادی، اقدام به نسل کشی و کشتارهای دسته جمعی و از بین بردن و سوختاندن مزارع زراعتی نمودند که میتوان از جنایات شان ذیل شان یادآور شد. جنایات جنگی عمده دوره طالبان بین سالهای ۱۹۹۷ الی طور مثال، عقب نشینی نیروهای طالبان از مزار شریف، و بعداً اقدام ۲۰۰۱ رخ داده است قتل عام، نیروهای شان در می ۱۹۹۷ انتقام گیری هایی را علیه غیر نظامیان انجام دادند که دست کم ۸۳ نفر را دو قریه بیرون از شهر قتل عام نمودند. مطابق گزارش گزارشگر خاص، ۵۳ نفر شیعه از باشندگان قریه در قزل آباد کشته شدند و حدود بیست خانه آتش گرفت. بزرگان قریه اظهار داشتند: طالبان بعد از ظهر به قریه رسیده بودند یک گروپ ۱۴ یا ۱۵ مرد جوان از قریه گرفتار شده و به میدان هوایی نزدیک برده، ابتداء شکنجه نموده و متعاقباً به قتل رسانیدند در قریه شیخ آباد فقط پیرها مانده بودند بعد از آنکه مابقی باشندگان پس از پیشروی نیرو های طالبان گریخته بودند. طبق گزارش گزارشگر خاص، طالبان وارد قریه شده و سی مرد پیر را شکنجه و به قتل رساندند. سال بعد در آگست ۱۹۹۸ طالبان با حمایت قاطع از جانب پاکستان کنترل مزار شریف را به دست گرفتند. در ۸ آگست ۱۹۹۸، قرار گزارش راپورتر دیده بان حقوق بشر: قتل عام در مزار شریف نیروهای طالبان وارد شهر مزار شریف شدند. در هفته بعدی، نظامیان طالب دست کم ۲۰۰۰ نفر را کشتند که بیشتر آنها غیر نظامی بودند. گزارش ذیل از راپور دیده بان حقوق بشر اخذ شده است. گزارش بنام قتل عام در مزار شریف بر پایه تحقیقات دیده بان حقوق بشر در اکتبر ۱۹۹۸ می باشد.

دقیقاً به خاطر گرفتن انتقام از تلفات نیروهای خودشان در سال قبل، قتل عام نمودند. در جولای ۱۹۹۹، طالبان یک حمله وسیع در امتداد قسمت شمال کابل که شمالی یاد می گردد به راه انداخته، غیر نظامیان را کشته، قریه ها، مزارع و باغها را آتش زدند ظاهراً به انتقام حمایت مردم از نیروهای ضد طالبان و برای جلوگیری از بازگشت مردم صورت گرفت.

حدود و اندازه ویرانی و غارت نامعلوم است. قتل عام توسط طالبان در مناطق شمالی مقاومت تا سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ م ادامه داشت.

در ماه می سال ۲۰۰۰ م، سی و یک غیر نظامی اسماعیلی توقیف شده و در نزدیکی مرز ولایات بغلان و سمنگان به قتل رسانیدند. در جنوری ۲۰۰۱ بعد از شروع جنگ در یکاولنگ بین طالبان و نیروهای ترکیبی حرکت اسلامی و حزب وحدت، طالبان ۱۷۶ مرد غیر نظامی را در شهر یکاولنگ بقتل رساندند. جنگ تا جون ۲۰۰۱ به رهبری ملا داد الله ادامه کرد تا اینکه طالبان مرکز شهر را سوزانده و غیرنظامیان را زمانی که از منطقه عقب نشینی میکردند، کشتند. تا آنکه بنیان گذاران شان در اواخر سال ۲۰۰۱ به کمک هم پیمانان شان آن آفت را از کشور ما دور نمودند. ....

مطالب فوق نمونه های از جنایات، ویرانی و تجاوز طالبان بر حقوق و آزادیهای هموطنان ما بود. لذا بانظر داشت مطالب ذکر شده با قاطیعت میتوان بیان داشت که در دوران طالبان نه تنها که از قانون و قانونیت کمتر اثری بملاحظه میرسید، تخلف و تجاوز بر حقوق و آزادیهای مردم قوس سعودی خود را در کشور ما پیمود.

**به امید تحقق قانون و حاکمیت قانون در افغانستان !**

با احترام

**عبدالواسع غفاری**

[www.hoqooq.eu](http://www.hoqooq.eu)